

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

۱۳ جولای، ۲۰۲۶

احمد فواد ارسلا

دیپلماسی کریپتو یا اسعار مجازی شفری پاکستان یک نشانه دیگر فروپاشی



Pakistan's Finance Minister Muhammad Aurangzeb and World Liberty Financial's Zach Witkoff sign an agreement in January 2026 in Islamabad, as Pakistani army chief Field Marshal Asim Munir, Prime Minister Shehbaz Sharif and Deputy Prime Minister Ishaq Dar stand behind [Handout/Pakistan Virtual Assets Regulatory Authority]

افشاگری‌های اخیر که سود چندین میلیارد دلاری اسعار مجازی شفری دونالد ترامپ را به شبکه‌های پاکستانی پیوند می‌دهد، دیگر در حد آوازه باقی نمانده است. این موضوع اکنون بر راپورهای متعدد منابع خبری بین‌المللی استوار است که چیزی را آشکار می‌کند که تنها می‌توان آن را ادغام عامدانه فرصت طلبی مالی و دسترسی دیپلماتیک توصیف کرد.

چندین منبع خبری به ابعاد این عملیات اشاره کرده‌اند. در یک راپور از «برد جایزه عالی لاتری ۱/۴ میلیارد دلاری کریپتو (اسعار مجازی شفری)» سخن می‌گوید که به سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با ترامپ و «ارتباط با پاکستان» گره خورده است و تأکید می‌کند که این سودها تصادفی نبوده، بلکه به صورت ساختاری با جریان‌های مالی بین‌المللی شامل بازیگران پاکستانی پیوند داشته است. در یک راپور نشر شده دیگر این رویداد را به‌عنوان «قمار دیپلماتیک کریپتو»

توصیف می‌کند که نشان می‌دهد اسلام‌آباد از اسعار مجازی شفری برای کسب نزدیکی و نفوذ استفاده کرده است.

میکانیزم این تعامل حتی آشکارتر است. راپورها نشان می‌دهد که پاکستان صرفاً یک ناظر منفعل نبوده است، بلکه فعالانه به دنبال توافق با تشکلات اسعار مجازی شفری وابسته به ترمپ بوده، به صورت مثال پلان پاکستان برای مطالعه «اسعار مجازی شفری متصل به دالر» در چارچوب نظام مالی پاکستان یک مشارکت حاشیه‌یی نبود، بلکه ورود در سطح دولت به یک ساختار مالی با نظارت ضعیف محسوب می‌شود.

بعد سیاسی این موضوع کاملاً روشن است. همان‌گونه که یک راپور صریحاً بیان کرده، این ترتیب معادل «۵۰۰ میلیون دالر در برابر دسترسی به ترمپ» بوده است، عبارتی که ماهیت معامله محور این رابطه را به خوبی نشان می‌دهد. این دسترسی ماهیت اساسی داشت. بر اساس راپور الجزیره، شهباز شریف صدراعظم و فیلد مارشال عاصم منیرلوی درستیز پاکستان، در مراسمی حضور داشتند که طی آن مدیران یک شرکت مرتبط با ترمپ در اسلام‌آباد به طور رسمی پذیرفته شدند و زک ویتکوف (پسر شخصی که نماینده شخصی ترمپ در تمام مذاکرات بین‌المللی است) با وزیر مالیه محمد اورنگزیب توافقی را امضا کرد. این همان دیپلماسی است که به ابتدایی‌ترین شکل معامله‌ای تقلیل یافته است.

گزارش‌های بیشتر همین نمونه را تأیید می‌کند. تلاش‌های پاکستان با آنچه یک رسانه «جهان‌بینی معامله‌محور» توصیف کرده همسو است، جایی که تعامل مالی به مسیر نفوذ سیاسی تبدیل می‌شود. گزارش دیگری به نقش واسطه‌ها اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه یک «فعال اسعار مجازی شفری» به پاکستان کمک کرد تا به دنیای ترمپ راه یابد و در واقع یک چینل موازی خارج از دیپلماسی رسمی ایجاد شود.

اگر این افشاگری‌ها را به تنهایی در نظر بگیریم، خود به تنهایی نگران‌کننده اند. اما در بستر کلی، به یک تمثال سیستماتیک تبدیل می‌شوند.

وضعیت اقتصادی پاکستان با وابستگی‌های اساسی تعریف می‌شود. این کشور قرضه‌های قابل توجهی به چین دارد که به پروژه‌های زیربنایی مرتبط است. به‌طور مکرر به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای تثبیت اقتصادی مراجعه می‌کند. به کشورهای خلیج برای نقدینه، تسهیلات نفتی و حمایت‌های اضطراری متکی است. این تاب‌آوری نیست، بلکه مجموعه آسیب‌پذیری مالی است.

در عین حال، پاکستان با بی‌ثباتی داخلی فزاینده مواجه است، اما نه به دلایلی که به‌صورت عمومی مطرح می‌کند. در بلوچستان، خیبر پختونخوا و کشمیر، ناآرامی صرفاً ناشی از شورش‌گری یا

تحریکات خارجی نیست. این وضعیت ریشه در محرومیت مزمن اقتصادی، سوءاستفاده از منابع و ناکامی سیستماتیک در تبدیل پروژه های ملی به توسعه محلی دارد.

جمعیت این مناطق از منافع فعالیت های اقتصادی دولت بهره مند نمی شوند. بلوچستان غنی از منابع همچنان توسعه نیافته باقی مانده و ثروت آن استخراج می شود، در حالی که جوامع محلی باز سرمایه گذاری ناچیزی را تجربه می کنند. در خیبر پختونخوا، چرخه های درگیری با نبود فرصت های اقتصادی پایدار تشدید شده است. در کشمیر، بی ثباتی طولانی مدت توسعه را محدود کرده و نارضایتی سیاسی را عمیق تر ساخته است.

نکته مهم تر این است که این جمعیت ها تنها بی توجهی را تجربه نمی کنند، بلکه احساس قربانی شدن دارند. عکس العمل های امنیتی، همراه با حکومت داری ضعیف و نبود شمول اقتصادی، این تصور را تقویت کرده که دولت از این مناطق بهره برداری می کند بدون آنکه نمایندگی واقعی برای آن ها فراهم سازد. اشاره یک تعداد راپور ها به «مشکلات شدید اقتصادی» و «ناآرامی فزاینده داخلی» تنها سطح مسئله را نشان می دهد. عامل اصلی ساختاری است: منابع به بالا جریان می یابد، در حالی که بی ثباتی در سطح محلی باقی می ماند.

این وضعیت یک چرخه خودتقویت کننده ایجاد می کند. سوء استفاده از منابع و نبود توسعه، نارضایتی را افزایش می دهد. نارضایتی به شورش دامن می زند. شورش بهانه ای برای امنیتی سازی بیشتر می شود و این جریاب به نوبه خود رشد اقتصادی را سرکوب کرده و بیگانگی را عمیق تر می کند.

در چنین محیطی از فشار مالی و شکاف داخلی است که باید چرخش پاکستان به سمت مانورهای مالی مرتبط با کریپتو یا اسعار مجازی شفری درک شود.

اسعار مجازی شفری، با شفافیت محدود و نظارت ضعیف، به ابزاری برای آخرین گزینه تبدیل می شود. اما این نوآوری نیست، بلکه جایگزینی تحت فشار است. و در اینجا تناقض آشکار می شود.

دولتی که به نهادهای مالی بین المللی وابسته است، نمی تواند به طور معتبر در ایکوسیستم های مالی که شفافیت را تضعیف می کند مشارکت کند. کشوری که به دنبال سرمایه گذاری بلندمدت است، نمی تواند مناطقی را حفظ کند که در آن توسعه غایب و جمعیت ها احساس استثمار می کنند. با این حال، پاکستان در تلاش است هر دو را به طور هم زمان انجام دهد.

ماجرای کریپتو یا اسعار مجازی شفری این ناکامی دوگانه را آشکار می سازد. آنچه به عنوان تعامل ستراتیژیک معرفی می شود، در واقع فرصت طلبی ناشی از محدودیت است. آنچه به عنوان دیپلماسی مطرح می شود، در حقیقت تجارت است برای دسترسی.

عواقب بین‌المللی آن فوری است. در محیطی جهانی که به طور فزاینده بر تطابق و قابلیت ردیابی استوار است، مشارکت پاکستان در پروژه‌های کریپتویی با ابعاد سیاسی، برداشت‌ها از ریسک سیستماتیک را تقویت می‌کند. قرض دهندگان به پاکستان شکاف‌های حکمرانی را می‌بینند. سرمایه‌گذاران بی‌ثباتی را می‌بینند. شرکا غیرقابل اعتماد بودن را مشاهده می‌کنند. اما مخرب‌ترین عنصر، خود رسوایی نیست، بلکه آن چیزی است که این رسوایی آشکار می‌کند. پاکستان دیگر از موضع انسجام ستراتیژیک عمل نمی‌کند. این کشور در حال عکس العمل نشان دادم مالی، سیاسی و دیپلماتیک به فشارهای فزاینده است. «جایزه عالی لاتری کریپتویا اسعار مجازی شفری» یک داستان موفقیت نیست، بلکه یک نشانه است. کشوری که زیر بار قرض قرار دارد، از درون به دلیل سوءحکمرانی شکاف برداشته و به‌طور فزاینده به یمل‌های مالی غیرشفاف متکی است، در حال اعمال اختیار نیست، بلکه در حال مدیریت افول است. و افول، زمانی که عادی شود، به‌ندرت به‌طور خودکار معکوس می‌شود.

پایان